



تدریس
کلمه به کلمه
متون دشواری چون
منظومه سبزواری و
اسفار علاوه بر
دانش و درک عمیق
نسبت به فلسفه و
مباحث آن
به صبر و حوصله
فراخی نیاز دارد
که اینها همه در استاد
با آن خُلق محمدی و
محبت پدرانهاش
جمع بوده
است.

کلاس‌های درس فقه و اصول و فلسفه ایشان خصوصاً در دو سه دهه گذشته بسیار پر رونق و باشکوه در منزل خود استاد تشکیل می‌شده و هم اکنون نیز برقرار است. سالیان درازی است که هر روز صبح و گاه هر صبح و عصر استاد در منزل شخصی خود پذیرای طالبان دروس یاد شده است. تا کنون چندین دوره شرح منظومه سبزواری، اشارات ابن‌سینا، اصول فلسفه و بدایه و نه‌هایه علامه طباطبایی و اسفار صدرالمتألهین شیرازی را تدریس کرده است. استاد چنان با تبحری خاص و مثال زدنی مباحث متون سنتی فلسفه را تدریس و تفهیم می‌کند که دانشجو در فهم مطالب خود را با هیچ مشکلی مواجه نمی‌بیند. تدریس کلمه به کلمه متون دشواری چون منظومه سبزواری و اسفار علاوه بر دانش و درک عمیق نسبت به فلسفه و مباحث آن به صبر و حوصله فراخی نیاز دارد که اینها همه در استاد با آن خُلق محمدی و محبت پدرانهاش جمع بوده و هست. همین عوامل سبب شده که اشتیاقی طلاب و دانشجویان خود را به حضور در کلاس‌هایش بیشتر کند و میزان فهم آنها را از درس بالا برد.

چون استاد در فلسفه از محضر درس علامه آقاسید ابوالحسن رفیعی قزوینی، از پیروان حکمت متعالیه، بیشترین استفاده را برده است و نیز چون بیشترین اهتمامش به تدریس در این زمینه از فلسفه اسلامی اختصاص یافته، از این‌رو او را از طبقه مروجان و پیروان حکمت متعالیه ملاصدرا در دوره معاصر می‌توان برشمرد.

اهتمام به برقراری مجالس درس طی سالیان متمادی و علاوه بر این، زندگی در کنار مردم و صرف اوقات فراوان برای رتق و فتق امور آنها به‌واسطه مسئولیت امامت جماعت و همچنین سعی در تبلیغ اسلام و ترغیب پیروان سایر ادیان برای تشریف به دین مبین اسلام، مانع از آن شده که استاد برای نگارش در زمینه علمی که در آنها تبحر و دانش عمیق داشته، فرصت کافی در اختیار داشته باشد. با این حال درس‌های شرح منظومه ایشان در دو جلد تدوین و تنظیم و چاپ شده است. بر اهل فلسفه پوشیده نیست که منظومه مرحوم حاج ملاهادی سبزواری از جمله آثار فاخر و ارزشمند فلسفه اسلامی به شمار می‌رود. آنچه منظومه مرحوم سبزواری را حائز اهمیت و اعتبار خاصی ساخته این است که منظومه به منزله دائرةالمعارفی فشرده، مشتمل بر روئوس مباحث و مسائل فلسفه اسلامی است. مرحوم سبزواری اگرچه از پیروان حکمت متعالیه ملاصدرا و مروجان آن به‌شمار می‌رود، اما در تألیف این اثر ارزشمند علاوه بر بیان امهات مباحث فلسفی بر مذاق حکمت متعالیه از تبیین اندیشه‌ها و آراء بزرگان حکمت مشاء و اشراق در سیر مباحث خود فروگذاری نکرده است. در عین حال چون متن اثر سبزواری به دلیل ساختار و قالب خاصی که مؤلفش برای بیان مطالب برگزیده، بسیار پیچیده و فهم مباحث را به‌ویژه برای طالبان معرفت فلسفی دشوار ساخته، دستیابی به دقایق آن بدون استادی که خود محض در فلسفه باشد تقریباً امری ناممکن است. اما همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد ایشان در تدریس این متن وزین و دشوار از تبحر خاصی برخوردار است به طوری که صورت تدوین یافته و مکتوب سلسله درس‌های ایشان به زبانی روان و ساده، خودآموزی برای دانشجویان و طالبان آشنایی با فلسفه اسلامی است.^۱

از دیگر آثار مکتوب استاد الإسفار عن الأسفار را می‌توان نام برد که مجموعه تعلیقات ایشان بر برخی از مباحث کتاب اسفار ملاصدراست. این تعلیقات همان‌طور که در مقدمه اثر ذکر شده علاوه بر اینکه حاصل تأملات و اندیشه خود استاد است، در موضعی برگرفته از افاضات اساتیدی مانند علامه سیدابوالحسن رفیعی قزوینی، علامه میرزا احمد آشتیانی و علامه حکیم شیرازی است که او در مجالس درس ایشان شنیده و از آنها بهره برده است.^۲ از درگاه خداوند طول عمر پر برکت و توأم با سلامتی برای ایشان خواستارم.

پی‌نوشت‌ها

۱. آیت‌الله حاج سیدرضی شیرازی، درس‌های شرح منظومه حکیم سبزواری، ۲، انتشارات حکمت، تهران: ۱۳۸۳، چاپ دوم: ۱۳۸۶.
۲. همو، الاسفار عن الاسفار، تعلیقات علی الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة للحکیم المتأله مجددالفلسفة الاسلامیة صدرالدین الشیرازی، ۲، سازمان چاپ و انتشارات، تهران ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵.

عنوان «معرفی» را برای این نوشتار مناسب ندیدم چون اولاً معرف را تناسبی با مقام والای معرف نبود؛ ثانیاً نگارنده به قدر بضاعت ناچیزش فقط به جنبه فلسفی شخصیت و خدمات علمی استاد در زمینه فلسفه اسلامی مختصر اشاره‌ای کرده است و جهات دیگر شخصیت معظم‌له و خدمات وی را در علوم نقلی به مجال دیگر و به دست صاحب قلمی توانا و درخور سپرده است. از این رو، با توجه به صبغه و سابقه ارزشمند ایشان در فلسفه، بهترین و گویاترین شناسه عبارتی است که در صدر مقال آورده‌ام: «جهانی بنشسته در گوشه‌ای»

استاد آیت‌الله حاج سیدرضی شیرازی فرزند میرزا علی آقای شیرازی و نوه میرزای شیرازی، صاحب فتوای تاریخی تحریم تنباکو، در ۱۳۰۷ شمسی مطابق ۱۳۴۵ هجری قمری در نجف اشرف به دنیا آمد و حدود سی سال از عمر پربرکت خود را در آنجا سپری کرد. تحصیلات خود را در همانجا آغاز کرد و مقدمات و سطوح و خارج را فراگرفت. در نجف اشرف از محضر درس اساتید بزرگی همچون پدرش میرزا علی‌آقا شیرازی، جد مادری‌اش آیت‌الله العظمی شیخ کاظم شیرازی بهره گرفت. آیت‌الله حاج سیدرضی شیرازی معمولاً به دلیل گرمای شدید نجف تابستان‌ها به تهران می‌آمد و در مدت اقامت خود از درس اساتیدی چون آقای شعرانی، مرحوم آقای عماد رشتی و آقای میرزا احمد آشتیانی استفاده می‌کرد تا اینکه بالاخره در تهران سکنا گزید. از آن پس نزدیک به هفت سال در درس خارج عروۃ الوثقی آیت‌الله آقا شیخ محمدتقی آملی که برای وی و جمعی دیگر برقرار بود، شرکت کرد. اساتید او در علوم معقول آیات عظام آقامیرزا مهدی الهی قمشه‌ای، آقا میرزا ابوالحسن شعرانی و آقا سید ابوالحسن قزوینی بودند که نزد ایشان به ترتیب شرح منظومه، اشارات و اسفار را فراگرفت. نزد آقای شعرانی هیئت و شفا را نیز فراگرفت. شرح فصوص ابن عربی را نیز نزد آیت‌الله قزوینی و استاد فاضل تونی آموخت. گفتنی است که آیت‌الله حاج سیدرضی شیرازی از دروس خارج فقه مکاسب، اجاره و طهارت آقا سید ابوالحسن قزوینی نیز استفاده کرده و در ایامی که در قزوین سکنا گزیده تا نزد ایشان تلمذ کند، از آن مرحوم اجازه اجتهاد دریافت کرد.

حضرت استاد پس از آنکه از نجف به تهران آمد و در تهران مستقر شد، در مدرسه مروی به تدریس مطول، قوانین، رسائل و اشارات مشغول شد. همچنین در سال ۱۳۳۸ برای تدریس به مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) دعوت شد و در جمع اساتید بزرگی مانند آقا شیخ محمدعلی لواسانی، آقا سیدکاظم عصار، آقای راشد، آقای ترابی، آقای سید محمود طالقانی، آقا وحید گلپایگانی و شیخ ابوالفضل نجم آبادی به تدریس مشغول شد. همچنین پس از سفر آیت‌الله حاج مهدی حائری یزدی به آمریکا از طرف آیت‌الله العظمی بروجردی، به عنوان نماینده ایشان، دانشکده معقول و منقول (دانشکده الهیات فعلی) از آیت‌الله حاج سیدرضی شیرازی دعوت کرد تا به جای آقای حائری در آن دانشکده تدریس کند. اما ایام تدریس در مدرسه سپهسالار (مدرسه شهید مطهری فعلی) و دانشکده الهیات دیری نپایید. زیرا ابتدا در پی شرکت استاد به همراه روحانیون در مخالفت با شاه پس از فرارندوم ششم بهمین و حاضر نشدن در جلسه ملاقات با شاه در مدرسه که رژیم پهلوی برای ظاهر نمایی ترتیب داده بود، از مدرسه اخراج شد. سپس در پی حمایت از مبارزات ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و روشنگری درباره آن در کلاس‌های درس دانشکده، به همراه مرحوم شهید مطهری و آقای صدر بلاغی از دانشکده اخراج گردید. پس از آن تقریباً در سال ۱۳۴۲-۱۳۴۳ به دستور آیت‌الله خوانساری برای اقامه جماعت به امامت مسجد شفا در محله یوسف‌آباد تهران منصوب شد. از آن تاریخ تاکنون، حضرت استاد توأم با تصدی امامت مسجد مذکور، همواره به تدریس علوم معقول و منقول اشتغال داشته است. درس‌های استاد غالباً در منزل و گاهی نیز در مسجد برقرار بوده است.

گفتنی است که پس از ترور مرحوم شهیدمطهری توسط گروه فرقان، حضرت استاد آیت‌الله حاج سیدرضی شیرازی نیز توسط همین گروه ملعون مورد سوءقصد قرار گرفت. اما پس از شلیک چند گلوله، به لطف خدا خروج به موقع خدمتکار خانه موجب فرار ضارب شد و استاد از دام مرگ رهایی یافت، با این حال گلوله‌ها موجب جراحاتی در ناحیه سر و دست و پای استاد شد و وی ناگزیر برای تکمیل مراحل معالجه به خارج سفر کرد. بی‌شک چنین اقدام شومی از سوی آن گروه به دلیل خدمات علمی و فرهنگی شهید مطهری و استاد آیت‌الله حاج سیدرضی شیرازی بوده که آن گروه کوردل تاب آن را نداشتند.

کسانی که طی چند دهه اخیر، خصوصاً سال‌های پس از انقلاب، در تهران مشتاقانه طالب آموختن فلسفه اسلامی بوده‌اند، حتماً استاد آیت‌الله حاج سیدرضی شیرازی را می‌شناسند و اگر توفیق قرین همتشان بوده از محضر درس ایشان بهره برده‌اند. ایشان را به جرأت می‌توان از تبار اساتید برجسته سنتی فلسفه اسلامی در دوره معاصر به‌شمار آورد، استادانی که بی‌هیچ مزد و منت و صرفاً بر اساس یک سنت حسنه قدیمی، دانش و یافته‌های سالیان خود را بر طبق اخلاص می‌نهادند و طالبان مشتاق و تشنه آموختن را از آن سیراب و سر مست می‌ساختند. گویی امانتی در دست دارند که خود را موظف می‌دانستند تا به نسل بعد بسپارند.



استاد
چنان با
تبصری خاص
و مثال زدنی
مباحث متون
سنتی فلسفه را
تدریس و
تفهیم می‌کند که
دانشجو در
فهم مطالب
خود را
با هیچ مشکلی
مواجه
نمی‌بیند.



سید رضی شیرازی
جهانی بنشسته در گوشه‌ای

فاطمه فنا